

میدون و سوفیا

یول لازم



پوریا عالمی

● ما دیروز یول لازم بودیم. یک مقدار یول ما را رفیقمان خورده بود. زنگ زدیم گفتیم یولمان را که خورده بودی پس بده. گفت استاد من غذا هم می خورم پس نمی‌دهم، وای به حال یول تو. گفتم معلوم است پس نمی‌دهی... حواسم نبود ظاهر و باطنت یکی است!

مسئولیت اقتصادی

بعد زنگ زدم به یک شرکت و گفتم پول ما را بده. گفت استاد آن پروژه را به‌عنوان مسئولیت اجتماعی و مسئولیت فرهنگی خودتان در نظر بگیرید! گفتسم دل‌اورجان، من شغلم فرهنگی و کارم اجتماعی است! کسی که باید برای مسئولیت اجتماعی هزینه کند شبایی که کارت اقتصادی است!

تخلیه اطلاعاتی

بعد زنگ زدم به یکی از رفقا که هردفعه کار دارد به ما زنگ می‌زند و ما را تخلیه اطلاعاتی می‌کند و بعد خودش قرارداد می‌بندد و می‌رود تا کار بعدی‌اش! گفتسم بابت این همه ایده و مشورت که تا حالا بهت داده‌ام پولی نمی‌خواهی بدهی؟ گفت: خاک‌توسرت با اون ایده‌ها! بهت احترام گذاشتم فکر کردی واقعا آدمی؟

ای بابا

بعد زنگ زدم به یک استاد و گفتم استادا در کار آخرتان بنده مثل خر کار کردم. پول نمی‌دهی؟ استاد گفت نه! تازه باید یک پول هم بدهی که در محضر من بودی.

نویسنده وان

بعد زنگ زدم به ناشر و گفتم حق‌التحریر چی شد؟ گفت نویسنده اگر به پول برسد توی کارش تأثیر بد می‌گذارد، به همین دلیل پولت پیش من می‌ماند.

جمع‌بندی

سوفیا... عشق قشنگم!

و بابای سوفیا... خار چشم من!

تو واقعا می‌توانی روی من حساب کنی. فقط مثل این است که روی یخ بنویسی. عاشق مفلس تو؛ میدون دوم.

پرنده آبی

از_خودمان_شروع_کنیم

● کاهه مدنی در آخرین پست خود مطلبی نوشته: «تکیه بر اصل» اگر دیگران #خلاف کنند، من هم خلاف می‌کنم #کشور و #محیط_زیست را نابود می‌کنند! اما نکته جالب آن ادامه چالشی است که مدتی پیش با عنوان «بی‌زباله» آغاز کرده است و همچنان مورد توجه است. او در آخرین پست خود از هشتک #از_خودمان_شروع_کنیم استفاده کرده است. چالش #بی‌زباله که مبتکر آن #کاهو_مدنی بوده و هنوز هم معتقد است برای نجات زمین باید #از_خودمان_شروع_کنیم؛ هشتکی که مسئولیت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری را یادآوری می‌کند. یادآوری می‌کند که «توسعه‌یافتگی به پول و مدرک نیست، به نحوه #تفکر ماست».

وقتی این هشتک را دنبال می‌کنید، مجموعه‌ای از اطلاعات محیط‌زیستی و مسائل دیگر را می‌توانید ببینید که افراد به خودشان یادآوری کرده‌اند و این مسئولیت مهم را یادآوری کردند. ک

اربری نوشته است: «در #روز_زمین فراموش نکنیم که برای بهبود باید #از_خودمان_شروع_کنیم». دیگری نوشته است: «ایا می‌دانستید انرژی مصرف‌شده برای تولید یک عدد بطری یک‌لیتری برابر است با انرژی ۲۵۰ میلی‌لیتر نفت؟!» یا دیگری «به زن‌ها برجسب جنسیتی زنیم» یکی خاطره تعریف کرده است: «داشتم راه میرفتم راننده یک ماشین گوشه خیابون ایستاده بود و خیلی شیک اشغال خوراکی‌ش رو انداخت بیرون، به ماشینش که رسیدم کنار در راننده ایستادم، خم شدم و اشغالش رو از روی زمین برداشتم. بلند که شدم چندتاپایه‌ای بی‌خشم و بی‌لبخند فقط نگاهش کردم!» یکی پیشنهاد داده: «اگر هر کسی به‌جای قدم‌های بزرگ از خودش و خانواده‌اش شروع کنه همه‌چیز بهتر میشه» و دیگری اشاره کرده: «#_فقر_فرهنگی یعنی اینکه توی کشور و #طبیعت خودمون اشغال بریزیم بعد از تمیزی کشورهای دیکه حرف بریزیم! جاده عباس‌آباد به کلاردشت».

راهکار #ازدیل برای کاهش زباله «معاوضه کاغذ و کتاب باطله با گل!» و حرکت نمادین سیما رئیس، دختر نابینای بلوچ در جمع‌آوری زباله‌هایی که توسط افراد بینا در ساحل چابهار ریخته شده بود، از ایده‌های ابتکاری برای شروع‌کردن از خود بوده است. به‌رحال قرار است هرکسی مثالی از کار درستی را که انجام داده یا می‌دهد با هشتک #از_خودمان_شروع_کنیم، «#بی‌زباله» و «#نه_به_پلاستیک» به اشتراک بگذارد.

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ = ۸ شعبان ۱۴۳۹ = ۲۵ آوریل ۲۰۱۸ = سال یازدهم = شماره ۳۱۳۲ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۲ = اذان مغرب ۲۰:۰۵ = اذان صبح فردا ۴:۴۷ = طلوع آفتاب ۶:۱۸

روزنامه‌فرا

کارتون خواب

آر وین
arvinmad@gmail.com

افزایش قیمت مسکن همزمان با جهش قیمت ارز



آکادمی

صدایت را بالا نبر، استدالات را قوی تر کن!

باشد؛ همان تفکر عالی‌که به قول ماکسولِ،

موجب پیشرفت فوق‌العاده می‌شود.

تفکر نقادانه، تحلیل حقایق و شواهد برای رسیدن به یک قضاوت است. براساس مجموعه تعاریف موجود، می‌گویند تفکر نقادانه تفکری است که منطقی، همراه با شک و بدون پیش‌داوری است. چنین تفکری حقیقتا دشوار است و مهارتی است فوق‌العاده.

در این روزهای زندگی آن‌قدر چنین مهارتی دُرّ و گوهر است که مجمع جهانی اقتصاد این مهارت را

به‌عنوان یکی از مهارت‌های برتر چند سال آینده معرفی کرده است. چرا؟ چون ساختارهای آموزشی فعلی مثل مدرسه و دانشگاه، در ایجاد و تقویت چنین مهارتی بسیار ناتوان است. البته شاید

مسئله از آنجا سرچشمه می‌گیرد که اصلا مدرسه

و دانشگاه چنین مأموریتی برای خود قائل نیست. آلبرت اینشتین می‌گفت: مخالفم که مدرسه‌ها بخواهند دانش و علم ویژه‌ای را به دانش‌آموزان یاد بدهند که قابل استفاده در آینده زندگی‌شان باشد.

خواستاره‌های زندگی چنان متنوع است که چنین آموزشی را ناممکن می‌کند. به جای آن باید روی توسعه و رشد مهارت‌های عمومی کار شود که قابلیت تفکر و قضاوت مستقل را در آنها ایجاد کند! مهارت و ابزاری که در کشوقوس‌های زندگی، بالا و پایین‌ها، سختی‌ها و آسانی‌ها به دادمان می‌رسد. وگرنه فقط دنبال نشانه‌هایی می‌گردیم که مثل طوطی شنیده‌ها و خواننده‌هایمان را بدون درکی از کاربرد دقیق‌شان به یاد آوریم و تکرار کنیم. حرف آخر اینکه، بررسی‌هایی که روی تفکر نقاد انجام شده است، نشان می‌دهد یکی از کلیدی‌ترین مقدمات این مهارت، پرسشگری است؛ پرسش‌هایی که لزوما پاسخ شفاف و دقیقی هم ندارند.

اما باید طرح شوند، باید فرصت طرح‌شدن پیدا کنند تا مقدمه‌ای برای تقویت تفکر نقادانه‌مان شوند. تا کمک‌مان کنند بهتر تحلیل کنیم، بهتر استدلال کنیم، بهتر تصمیم بگیریم و نهایتا بهتر عمل کنیم.

یکی از فعالان مشهور حقوق شهروندی و ضدنژادپرستی آفریقا به نام دِسْمدِن توتو جمله فوق‌العاده‌ای از پدرش نقل می‌کند. می‌گوید پدرم عادت داشت بگوید صدایت را بالا نبر، استدالات را قوی‌تر کن!

من زیاد سفر می‌کنم و در مکان‌های گوناگون، افراد گوناگونی را می‌بینم. در این زمان در سراسر جهان کرایشی رواج دارد که ما تفاوت‌های میان مردم را مورد توجه قرار دهیم. در بسیاری از کشورها، مدام چیزهایی می‌شنویم تا حس کنیم و چنین بفهمیم که ما با دیگران چه تفاوت‌هایی داریم.

اما تجربه من کاملا عکس این را نشان می‌دهد. زمانی بود که در چین سفر می‌کردم و همان‌طور که می‌دانید فضا‌های آن کشور کاملا با کشوری که من از آن آمده‌ام (بوسنی) متفاوت است. آنچه من می‌دیدم، این بود که همه مردم همان‌طور هستند که در کشور خود هستند، رنج‌های مشابهی دارند و مثل ما عاشق می‌شوند. البته تفاوت‌های فرهنگی

یک پنجره

ما و بدحجابی

فانزه طباطبایی ـ وکیل دادگستری

● در کشور خودش

ادبیات فارسی خوانده بود، هرجا می‌رفتم، تابلوها را بلندبلند می‌خواند، گاهی تلفظ کلمات را اشتباه می‌گفت و ما اصلاح می‌کردیم. داشتیم وارد مرکز

خرید می‌شدیم که چشمش به تابلویی افتاد که

رویش نوشته بود: «از پذیرش خانم‌های بدحجاب معذوریم». جمله را بلند خواند و بعد معنی‌اش را پرسید.باید کلمه «بدحجاب» را برایش توضیح می‌دادم.زن‌ها و دخترهای دوروبرمان را نشاناش دادم و بعد تصویر خودش در آینه‌های بزرگ رستوران را... بعد مدتی ساکت شدم.نمی‌دانستم بدحجاب را چطور تعریف کنم؟ زنانی که بی‌حجاب نیستند، اما حجاب را در حد شرعی که در رساله‌ها تعریف شده رعایت نمی‌کنند؟! یادم نمی‌آمد این کلمه کی، از کجا و چگونه وارد فرهنگ لغت ما شد؟ اولین متن قانونی که در آن

به کلمه بدحجابی برخوردم، بخش‌نامه شماره م/ ۱/۱۸۱۳ مورخ ۱۳۶۹/۲/۲۰ _ آیت الله یزدی_ رئیس قوه قضائیه است. این بخش‌نامه خطاب به تمامی واحدهای قضائی سراسر کشور تحت عنوان «تسرع در رسیدگی به پرونده‌های عوامل ترویج فساد و بدحجابی» ابلاغ شده است. در قسمت‌هایی از متن این بخش‌نامه آمده است: «پدیده فرهنگ‌های مبتذل و ناهنجار که ناشی از افکار ناصالح و غیراسلامی بیگانه است، همواره سعی دارد، دستورات متعالیه را مستور و با پوششی کاذب، ملت‌ها را بیدار و آگاه را منحرف نماید که در این راه زنان را وجه‌المصالحه و در جهت نیل به اهداف شوم خود با بروز یکی از پدیده‌ها موسوم به بدحجابی، استفاده لازم را می‌برد.» و سپس بدون ارائه تعریفی از بدحجابی ادامه می‌دهد: «بر دستگاه قضائی نیز واجب است به صیات ذات و حراست از خون‌بهای شهدای گرانقدر، با هرکس که بخواهد عامل ترویج فساد و بدحجابی گردد با قاطعیت برخورد و ضمن همکاری لازم و کافی با مراجع انتظامی، سریعاً به پرونده‌هایی که در این‌گونه موارد ارسال و معرفی می‌شوند، رسیدگی و حکم لازم را صادر نماید تا مرضی خداوند (تبارک و تعالی) واقع و رضایت خاطر امت شهیدپور و مردم انقلابی بیش از پیش فراهم شود».از لایه‌های متن فوق هم معلوم نمی‌شود این کلمه از کجا آمده است. بدحجاب هم از همان کلمه‌هایی است که معلوم نیست از کجا و چطوری وارد شده در دایره لغت ما. همان زنان ما باحجابند و تفاوتی که در ظاهر آنها دیده می‌شود، ناشی از تفاوت فرهنگی، قومی و نژادی‌شان است.پوشش زنان شالیکار شمال ایران را مقایسه کنید با زنان خانه‌دار یزد، لباس رنگی‌رنگی زنان بلوچ را مقایسه کنید با چادرهای مشکی مرکزنشینان، حجاب زن ترکمن را با آن پیراهن بلند و روسری‌های ترکمنی که تا کمر را می‌پوشانند، لباس‌های بلند و شاد کردی، دامن‌های چین‌چین لرها و آن روسری‌های توری که از دوطرفشان بافته‌های موهای ابریشمین‌شان می‌ریزد بیرون، لباس زن‌های جنوبی با آن شلوارهای خامه‌دوزی‌شده و بتوله روی صورتشان. مگر می‌شود به همه زنان فارغ از فرهنگ و مذهب و قومیتشان دستور داد مثل هم لباس بپوشند؟ در ادارات دولتی و دادگاه‌ها و مدارس شاید، اما در خانه و میهمانی و خرید و خیابان نمی‌شود!«رنگ» را نمی‌شود از زن که نه از بشر گرفت! زن‌های ایرانی همه باحجابند، اگر تفاوتی دیده می‌شود برمی‌گردد به فرهنگ و قومیتشان. زنانی که چادر سایه می‌پوشند هیچ برتری‌ای به زنان ماتو روسی یا زنانی که لباس محلی می‌پوشند، ندارند. آنها سیاه را انتخاب کرده‌اند و اینها رنگ‌های دیگر را. اینکه فرصت‌های مشارکت سیاسی فقط به یک گروه داده می‌شود، می‌تواند نمونه تبعیضی واضح به‌شمار آید.

سلام به فردا

شباهت ما انسان‌ها بیش از تفاوت‌هاست

آیدا عزت بگیچ



برسد، ولی می‌دانم که در دنیای امروز اصلا گفتن چنین چیزی عادی نیست که ما مثل هم هستیم. چیزی که گفتنش عادی‌تر به نظر می‌رسد این است که ما متفاوت هستیم؛ اینکه ما باید با هم دشمن باشیم، اما من واقعا قصد دارم این باور و احساس درساره مردم را ترویج کنم که از نظر من و در دنیای من، همه ما در هرجا که باشیم، واقعا یکسان هستیم. البته افراد خوب وجود دارند، افراد بد وجود دارند، افراد متفاوت، ولی اساسا من آن‌قدر تنوع و تفاوت زیادی نمی‌بینم که لازم باشد برای پیامدهای آن رنج و عذاب و جنگ را تحمل کنیم. شاید من خیلی خوش‌بینم.

❖ فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس بوسنیایی، سازنده «برف»، «بچه‌های ساراویو» و «هرگز ترکم نکن»

تحلیل

تلگرام و رویش‌های ناگزیر

نیاز به تجهیزات و امکانات خاصی، توانست کانال خود را در کسری از زمان راه بیندازد و پیامش را به مخاطب منتقل کند. گرچه این امکان سال‌هاست در فضای مجازی پدید آمده و فضای وب، همیای نشر نظرات شده است، اما هیچ‌گاه چنین حجم بزرگی از مخاطب در یک پیام‌رسان اینترنتی یک‌جا جمع نشده بود و وجود ۴۰ میلیون مخاطب با رسانه جیبی و همیشه در دسترس، تاریخ رسانه‌ای کشور را وارد عصر جدیدی کرده است. بی‌شک اگر مک لوهان زنده بود، به سه کیهکشان قبلی خود، کیهکشان دوروف را هم می‌افزود.

زیست تلگرامی

جامعه‌شناسان معتقدند جامعه انسانی در کشور ما رسانه‌ای شده و این امر شکل و محتوای زندگی روزمره و هندسه روابط اجتماعی را دستخوش تغییر کرده است که از آن با عنوان «تلگرامی‌شدن زندگی ایرانیان» یاد می‌شود. اپلیکیشن‌های مختلفی در این چند سال وارد فضا یگفتمانی جامعه ایران شده، اما هیچ‌کدام به اندازه تلگرام نتوانسته آن را تحت‌تأثیر قرار دهد. حجم بسیار وسیع اطلاعات تبادل‌شده

در این پیام‌رسان، سبک زندگی، زیست فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و متحول کرده است. اکنون فضای گفتمانی تلگرامی در تمام زمینه‌ها حاکم شده و تغییر آن توان و انرژی فوق‌العاده‌ای می‌طلبد که چنین توانی دور از دسترس است. تغییر روند کنونی از طریق انسداد اطلاعات مقدور نیست. اینجا بحث صرفا فنی و تکنولوژیکی نیست، بلکه بحث گفتمانی است. از نظر جامعه‌شناختی، مردم از طریق تلگرام با تشکیل مجموعه‌ها، گروه‌ها، سوپرگروه‌ها و ارتباطات افقی و عمودی اطلاع‌رسانی، لحظه‌ای شده دیگر ستاندنی نیست. تجارب گذشته در برخورد با فناوری‌های نوین که اثر گفتمانی داشته، نشان داده است که برخورد قهری نه تنها تأثیر موردنظر را نداشته، بلکه فاصله مردم با دولت را بیشتر کرده است. در چنین شرایطی، بهتر است برای یک بار هم که شده با نگاه مثبت و علمی به موضوع پرداخته شود. وضعیت کنونی می‌تواند به همبستگی ملی کمک کند. آگاهی مردم می‌تواند بهترین کمک را برای جلب مشارکت عمومی در نیل به اهداف توسعه‌ع فراهم کند. فضای رسانه‌ای موجود در مبارزه با فساد اداری که مانند مورانه پایه‌ها را می‌خورد، می‌تواند بسیار کارساز باشد.

می‌گردند. طولی نکشید، قابلیت ایجاد کانال یک سویه و انتشار اطلاعات در تلگرام، اهالی خبر را متوجه خود کرد و در کوتاه‌زمانی مخاطبان میلیونی، میهمان کانال‌های خبری شدند. از آن زمان تاکنون، نبض حادثه و خبر ایران، در سبته تلگرام تبیده و رسانه ملی و روزنامه‌ها و نشریات، دنباله‌رو جریانات خبری در این پیام‌رسان شده‌اند. سرعت اطلاع‌رسانی، لحظه‌ای شده است و مردم، مسئولان، اشخاص معروف و همه سرامدان جامعه، فضای بسیار مطبوعی برای نشر دیدگاه‌های خود یافته‌اند. مسئولان، دیگر منتظر مصاحبه رسانه‌ها نمی‌مانند؛ کافی است جمله‌ای را توییت کنند تا در چشم‌به‌هم‌زدنی، با تازتاب آن را در صدها کانال ریزودرشت تلگرام شاد باشند.

رسانه ایرانی

دنیای رسانه در کشورمان، به عمر خود چنین فضایی را تجربه نکرده بود. رسانه مدرن در ایران با انتشار روزنامه کاغذ اخبار توسط میزاصالح شیرازی در فروردین ۱۲۱۶ – یعنی ۱۸۱ سال پیش– آغاز شد. در این نزدیک به دو قرن، رسانه‌ها فرازونشیب بسیاری را شاهد بودند. دکتر محسنیان‌راد، پژوهشگر برجسته ارتباطات، این دوران بلند را مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته که در ۴۹ درصد از این زمان طولانی، رسانه‌ها در انحصار دولت، ابزار مدح و ثنای مقامات و ماشین تبلیغاتی دولت بوده‌اند. ۱۱.۹ درصد از این مدت، اگرچه انحصار دولت پایان یافته و ملت نیز صاحب رسانه شده بودند، اما مجازات روزنامه‌نگاران و توقیف‌های متعدد، سبب شده بود که آنها در شرایط خوبی به‌سر نبرند. همچنین در ۱۱.۵ درصد از این زمان، اگرچه فشار مستقیم دیده نمی‌شود، اما توقیف‌های سلیقه‌ای و تبعیض‌ها، منتهی به شکل‌گیری رسانه‌های متعدد، خودسانسور و کم‌عمر شده است. همین‌طور در ۱۸ درصد طول این دوران، مطبوعاتی مشابه دوره خودسانسور، اما به صورتی ختنی و غرب‌زده انتشار یافته است و فقط کمتر از ۱۰ درصد از این زمان طولانی، مطبوعات

از آزادی برخوردار بوده‌اند که آن هم به دلیل نهاده‌نشدن شرایط کار سالم در فضای آزاد، عملکرد رسانه‌ها، غالبا فرصت‌طلبانه و فحاشی بوده است. در این حال بستر پیام‌رسان تلگرام، عدالت رسانه‌ای برای آحاد مردم را پدید آورد. هرکس بدون نیاز به مجوز، در کمال آزادی، بدون توجه به سبک زندگی، دور از دسترس خواهد بود. ما با جامعه‌ای گشوده نسبت به گذشته مواجه هستیم. فناوری به سمت کنترل‌ناپذیری پیش می‌رود و دیگر نمی‌توان جامعه را در دریافت اطلاعات محدود کرد و منع فیزیکی نه‌تنها راهگشا نیست، بلکه باعث توانمندی مخاطبان عام می‌شود. باید رویش جوانه‌ها در جنگل پیام را جدی گرفت و نقشه راه را براساس مشارکت آنان ترسیم کرد. فناوری جدید، انسان را در برابر خود مجبور به تسلیم می‌کند. فناوری ارتباطی، ذات انکارناشدنی دارد و دائم در حال گسترش است. عقل سلیم حکم می‌کند با نگاهی مثبت به فضای گفتمانی ایجادشده، آن را به سمت مصالح و منافع واقعی جامعه پیش ببریم و از این مشارکت عمومی، به‌منابه موتور محرکی برای رفع موانع توسعه کشور استفاده کنیم. تلگرام را می‌توان فرصت دید و البته می‌توان از آن هیولای تهدیدآمیز ساخت؛ بستگی به نوع نگاه و مدیریت ما دارد. پیشبرد سیاست تشویقی برای بهره‌گیری از پیام‌رسان‌های داخلی خوب است، اما توسل به برخورد قهری، نتیجه معکوس دارد. ای کاش اشتباهات گذشته را دیگر تکرار نکنیم که لابد فرصت دوباره برای تحبیب قلوب با نسل جدید، دور از دسترس خواهد بود.



قادر باستانی
پژوهشگر